



Differential Proceedings for Children and Adolescents; A Look at International Instruments on the Rights of the Child

Saaeid Naaderi^{1*}

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 49-66

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4274-8335

TELL: +989123507922

Email: Saaeidnaaderi@gmail.com

Article history:

Received: 30 Dec 2020

Revised: 13 Feb 2021

Accepted: 20 Feb 2021

Published online: 21 Mar 2021

Keywords:

*Differential Proceedings,
Children and Adolescents,
Child Rights, Human Rights.*

ABSTRACT

The United Nations has adopted four important instruments on the rights of the child, of which the Convention on the Rights of the Child is the only binding instrument. These documents include various rights for children and adolescents, including discriminatory proceedings. It can be said that discriminatory proceedings are also one of the privileged rights of children and adolescents who oppose the law. Because the child or adolescent who opposes the law, is the victim of unfavorable living conditions and social environment. Hence, they need the differential support of the legislature. Highlights of the Differential Trial Based on International Child Rights Documents, in the Preliminary Investigation Stage, including the Juvenile Police and the Juvenile Court, and in the Proceedings, including the Juvenile Court, the Juvenile Judge and the Special Adviser Turns. This article shows that Iranian criminal justice system has taken firm steps to comply with international instruments on the rights of the child, both binding and non-binding, to achieve a discriminatory trial for children and adolescents. Therefore, it can be argued that the differential discourse of the Iranian criminal justice system promises the globalization of the rights of children and adolescents. Of course, while praising the legislature's discriminatory approach, some objections to this view should not be overlooked, such as the lack of a juvenile police force, the presence of a counsel in court, and the lack of free access to lawyers. It is hoped that by correcting the existing flaws, the mission of the differential criminal justice system, reforming and rehabilitating children and adolescents in conflict with the law, will be adequately met.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Naaderi, S (2021). "Differential Proceedings for Children and Adolescents; A Look at International Instruments on the Rights of the Child". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(1): 49-66.



دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان؛ با نگاهی به اسناد بین‌المللی حقوق کودک

سعید نادری^{*۱}

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

سازمان ملل متحد، در زمینه حقوق کودک چهار سند مهم را مورد تصویب قرار داده که پیمان‌نامه حقوق کودک، تنها سند الزام‌آور آن می‌باشد. این اسناد شامل حقوق مختلفی برای کودکان و نوجوانان از جمله دادرسی افتراقی است. به سخنی شایسته، می‌توان گفت دادرسی افتراقی نیز یکی از حقوق ممتاز کودکان و نوجوانان معارض با قانون است زیرا کودک یا نوجوان معارض با قانون، پیش از آنکه بزه‌کار باشند، بزه‌دیده شرایط نامطلوب زندگی و محیط اجتماعی هستند. از این‌رو، نیازمند حمایت‌های افتراقی قانون‌گذار می‌باشند. ویژگی‌های بارز دادرسی افتراقی بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق کودک، در مرحله تحقیقات مقدماتی، شامل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و دادسرای ویژه اطفال و نوجوانان و در مرحله دادرسی، شامل دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان، قاضی ویژه اطفال و نوجوانان و مشاور متخصص می‌گردد. این مقاله نشان می‌دهد که نظام عدالت کیفری ایران، گام‌هایی استوار در جهت همسویی با اسناد بین‌المللی حقوق کودک، اعم از الزام‌آور و غیر الزام‌آور برای تحقق دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان برداشته است. از این‌رو، می‌توان ادعا نمود که گفتمان افتراقی نظام عدالت کیفری ایران، نوید جهانی‌سازی حقوق کودکان و نوجوانان را در سپهر سیاست جنایی ایران به ارمغان می‌آورد. البته ضمن ستایش رویکرد افتراقی مقنن، نباید از پاره‌ای از ایرادهای این نگرش، از قبیل فقدان تشکیل پلیس ویژه اطفال، حضور یک مشاور در دادگاه و عدم دسترسی رایگان به وکلا غافل شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۹-۶۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۸۳۳۵-۴۲۷۴-۰۰۳-۰۰۰-۰۰۰

تلفن: ۰۹۸۹۱۲۳۵۰۷۹۲۲+

ایمیل: saaeidnaaderi@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

دادرسی افتراقی، کودکان و نوجوانان،

حقوق کودک، حقوق بشر.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی اثر حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

رسالت حقوق کیفری، مبارزه جرایمی است که نظم عمومی را برهم زده و بی‌نظمی را در جامعه رواج می‌دهد. در این راستا نهاد تعقیب دارای امکانات کافی برای مبارزه با پدیده بزه‌کاری است، اما طرف دیگر این مبارزه یعنی متهم از این امکانات برخوردار نمی‌باشد. امروزه برای برقراری تعادل امکانات میان نهاد تعقیب و متهم، دادرسی عادلانه پیشنهاد شده تا از رهیافت آن حقوق متهم در برابر دستگاه قضایی تأمین گردد. حق بر دادرسی عادلانه که از مهم‌ترین حقوق انسان‌ها شناخته می‌شود به معنای «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات مدنی و کیفری میان طرفین دعوا که در امور حکمی و موضوعی در دادگاهی قانونی، صالح، بی‌طرف و غیرذینفع و با رعایت اصول و آیین‌های از پیش تعیین شده همراه با تضمین حقوق قانونی طرفین دعوا در طی مراحل مختلف فرایند قضایی» (فضائلی، ۱۳۹۲: ۶۰). حق کودک یا نوجوان معارض با قانون به دادرسی عادلانه، در قالب دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان تبلور یافته که بخش قابل توجه هر سیاست جنایی اتخاذ شده برای اصلاح نحوه برخورد با کودکان و نوجوانان معارض با قانون است، زیرا هدف از دادرسی کودکان و نوجوانان، شناخت علت بزه‌کاری آنان، باز اجتماعی کردن و پیشگیری از وقوع مجدد جرم است.

افتراقی شدن نظام دادرسی همچنان که از نام آن برمی‌آید ناظر به تشدید، تفرق و جزیره‌ای شدن آیین دادرسی است. در رابطه با کودکان و نوجوانان افتراقی شدن نظام دادرسی، به اعتبار شخصیت مرتکب می‌باشد که منجر به پیش‌بینی آیین دادرسی متفاوتی شده است. ریشه این تفاوت را می‌توان نخست تفاوت اطفال و بزرگسالان سپس در تفاوت بزه‌کاری آنان در نهایت در مختلف بودن پاسخ‌های پیش‌بینی شده جستجو نمود. مشخص است این تفاوت دارای جنبه حمایتی است، هرچند نمی‌توان از مبانی کیفرشناسی و حقوق بشری موجود در این حوزه نیز چشم پوشید. (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۶۹). بدین‌سان جای شگفتی نیست که سازوکارهای سیاست جنایی رویکر و جنبه افتراقی به خود بگیرد، زیرا مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که کودکان و نوجوانان با ارتکاب جرم لزوماً به دنبال نقض هنجارهای اخلاقی و

اجتماعی در قوانین کیفری نیستند، بلکه چه‌بسا با رفتار مجرمانه و یا منحرفانه در مقام بیان مشکلات عمیق شخصی خانوادگی و اجتماعی‌ای هستند که موجب ناسازگاری آنان با جامعه شده است. در چنین شرایطی ناسازگاری یا بزه‌کاری کودکان و نوجوانان معنا، پیام، ماهیت و علل متفاوتی پیدا کرده و در نتیجه پاسخ‌های کنشی و واکنشی متفاوتی را می‌طلبد. سیاست جنایی افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان بزه‌کار که از واقعیت‌های جامعه شناختی، روان‌شناختی و جرم شناختی کودک و نوجوانی نشأت گرفته است، امروز در قواعد و مقررات بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی کشور مورد توجه قرار گرفته و هنجارمند شده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۵ - ۱۶)

با این وصف، حقوق کیفری ایران، در راستای حمایت و هدایت کودکان و نوجوانان بزه‌کار در تحولات تقنینی اخیر خود در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی، مقررات ویژه‌ای را برای دادرسی آنان وضع نمود که این مقررات ملهم از اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق کودک می‌باشد. شایسته است که نگرش نظام عدالت کیفری ایران را به دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق کودک مورد بررسی و بحث قرار گیرد، تا کارآمدی و ناکارآمدی آن تبیین گردد. بنابراین، این نوشتار ابتدا به بررسی اجمالی اسناد بین‌المللی حقوق کودک و در قسمت دیگر این مقاله، با تفکیک فرایندهای دادرسی به مرحله تحقیقات مقدماتی و مرحله دادرسی، به مطالعه تطبیقی مقررات کیفری ایران و اسناد بین‌المللی حقوق کودک می‌پردازد.

۱- مروری بر اسناد بین‌المللی حقوق کودک

نگاه خاص حقوق بشر به حقوق کودکان و نوجوانان در پرتو اسناد سازمان ملل متحد متولد گردید. سازمان ملل متحد چهار سند مهم را مورد تصویب قرار داده که بر سرنوشت کودکان و نوجوانان جهان، تأثیرات مهم و حیاتی را به ارمغان داشته است. اسناد یاد شده عبارتند از:

- پیمان‌نامه حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹)؛

(پیمان‌نامه) در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعا یا نباشد» به تصویب رساند. پذیرش این گونه پیمان‌نامه حقوق کودک از سوی ایران، مورد اعتراض برخی از کشورها قرار گرفته است. (هاشمی اردستانی، ۱۳۸۷: ۹۱) در حال حاضر ۱۹۶ کشور جهان به جز ایالات متحده آمریکا، این پیمان‌نامه را تصویب نمودند. (kil Kelly, 2016: 630)

۲-۱- قواعد سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت کیفری کودکان «قواعد پکن» (۱۹۸۵)

قواعد پکن در واقع اصول راهبر ناظر بر کلیه مراحل فرایند کیفری خاص کودکان بزه‌کار را در شش بخش بیان کرده است. در بخش اول (اصول عمومی) به حمایت خانوادگی از کودک برای شکل‌گیری و شکوفایی شخصیت او در ادوار مختلف سنی و برآوردن نیازهای متنوع کودکان، سن کودک و مسئولیت کیفری آنان، اهدافی که مراجع قضایی ویژه کودکان بزه‌کار باید دنبال کنند و نیز به حقوق آنها در مراحل مختلف عدالت کیفری از مرحله دستگیری گرفته تا مرحله اعمال تصمیم قضایی پرداخته است. بخش دوم (تحقیقات اولیه و تعقیب کیفری) درباره برخورد تخصصی افتراقی و لزوم داشتن آموزش‌های تخصصی برای پلیس و قضات خاص کودکان و کارکنان کانون‌های اصلاح و تربیت و نیز مداخله حداقل و محدود مقام‌های پلیسی - قضایی و استفاده از شیوه‌های قضا‌دایی در قبال بزه‌کاری کودکان (از جمله تقلیل موارد توسل به بازداشت احتیاطی کودکان بزه‌کار و تفکیک آنان از بزرگسالان) اصول مهمی را متذکر شده است. در بخش سوم (محاكمه و حل و فصل بزه‌کاری کودکان) مداخله مددکاران، متخصصان علوم تربیتی و والدین، تشکیل پرونده شخصیت اجتماعی کودکان بزه‌کار، رعایت اصول خاص در مورد نحوه رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی، نوع اقدام‌ها و تناسب آنها با بزه ارتكابی کودکان، مورد تأکید قرار گرفته است. بخش‌های چهارم (طرز رفتار در محیط باز) و پنجم (طرز رفتار در محیط رسمی مانند کانون‌های اصلاح و تربیت و نهادهای مشابه)، در واقع اصول مربوط به نحوه به اجرا گذاشتن تصمیم دادگاه‌های خاص کودکان را تبیین می‌نماید.

- قواعد سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت کیفری کودکان (۱۹۸۵) «قواعد پکن»؛

- رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزه‌کاری کودکان (۱۹۹۰) «قواعد ریاض»؛ و

- مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰).

از میان چهار سند فوق، پیمان‌نامه به دلیل ماهیت تعهد‌آورد و فراگیر، مهم‌ترین سند محسوب می‌شود. سه سند دیگر، به عنوان اسناد ارشادی غیر الزامی محسوب می‌گردند و صرفاً جنبه ارشادی و ترغیب‌کننده دارند و در نتیجه، تعهدات دولت‌ها برای اجرای این اسناد بسیار ناچیز است. اما، پیمان‌نامه حقوق کودک این جنبه را تا حدودی بهبود می‌بخشد، به نحوی که مفاد اسناد دیگر را در این مورد توجه قرار می‌دهد و مقرراتی را درباره عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در متن خود پیش‌بینی می‌کنند (مهر، ۱۳۹۰: ۵۹).

۱-۱- پیمان‌نامه حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹)

پیمان‌نامه حقوق کودک در بردارنده حقوق بنیادین کودکان برای زندگی شایسته می‌باشد. پیمان‌نامه دارای یک اصل اساسی برای حمایت از حقوق کودک است. اصل رعایت منافع عالی در تمام تصمیمات قضایی و غیر قضایی، حق بر سلامت، حق بر حیات، حق بر آموزش و پرورش، حق رشد، حق زندگی با والدین، حق عدم تبعیض و... از جمله حقوقی است که مورد تأکید و حمایت پیمان‌نامه می‌باشد. این پیمان‌نامه در مواد ۳۷ و ۴۰ خود شالوده نظام دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان را طراحی می‌نماید. ماده ۳۷ پیمان‌نامه به حقوقی چون اصل برائت، غیر علنی بودن دادرسی، حق داشتن وکیل و مترجم در صورت نیاز، امکان تجدیدنظرخواهی، و... اشاره دارد. ماده ۴۰ پیمان‌نامه نیز به حقوقی از قبیل اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل رعایت کرامت انسانی، اصل سرعت در رسیدگی، اصل اطلاع والدین از اتهام، اصل رعایت حریم خصوصی، و... تأکید دارد.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲، به «پیمان‌نامه حقوق کودک» پیوست و با حق شرطی بدین صورت که «مفاد آن

موضوع بخش ششم تحقیقات برنامه‌ریزی تهیه و تنظیم سیاست‌ها و ارزیابی آنها می‌باشد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ۳۴۶)

۳-۱- رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزه‌کاری کودکان «قواعد ریاض» (۱۹۹۰)

اصول ریاض دارای هفت بخش و ۶۶ ماده می‌باشد. این رهنمودها عمدتاً دربردارنده توصیه‌هایی در مورد پیشگیری از بزه‌کاری کودکان هستند. مهم‌ترین فصول و مباحثی که در این مجموعه راهنما آمده است عبارتند از:

- فرآیند اجتماعی شدن، خانواده و تعلیم و تربیت، اجتماع و رسانه‌های جمعی، سیاست اجتماعی، قوانین و تشکیلات دادرسی کودکان.

- توصیه می‌شود که کشورها با وضع قوانین خاص از آزار و اذیت کودکان و نوجوانان بکاهند و استفاده از آنان را به منظور فعالیت‌های جنایی منع کنند.

- با اشاره به رسالت رسانه‌های گروهی، توصیه می‌شود که از تأثیر سوء بر نوجوانان بکاهند.

- سرانجام وقتی به نقشه خانواده اشاره می‌کند این نهاد را کلید پیشگیری از جرم تلقی می‌نماید و به این مطلب تصریح دارد که «خانواده واحد مرکزی مسئولیت اجتماعی شدن نخستین کودکان است» به همین دلیل خانواده سزاوار توجه بیشتر دولت‌ها و جوامع است. (صلح چی، ۱۳۸۹: ۹۶)

۴-۱- مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰)

بخش اول (چشم اندازهای بنیادین) این مقررات، سلب آزادی از کودکان متهم یا بزه‌کار را به عنوان آخرین راه حل توصیه می‌کند؛ در ماده ۳ این متن اشاره شده است که هدف این قواعد، تنظیم قواعد و مقررات حداقل برای حمایت از کودکان است که آزادی آنان شده است و از دولت‌های عضو دعوت شده است که این قواعد را حتی‌المقدور در قوانین و مقررات داخلی خود وارد نمایند. در بخش دوم (اهمیت و اعمال قواعد) از جمله به تعریف مفاهیم سن کودکی (کمتر از ۱۸ سال) و

سلب آزادی (یعنی هر شکل از بازداشت، نگهداری شخص در یک موسسه عمومی یا خصوصی که وی بنابر میل خود نتواند از آنجا خارج شود و مقامی قضایی، اداری یا سایر مقام‌های رسمی آن را صادر کرده باشد) پرداخته شده است. بخش سوم (کودکان در وضعیت دستگیری و توقیف و کودکان در انتظار محاکمه)، در واقع به حقوق کودکانی که آزادی شان در این مرحله سلب شده، پرداخته است. در بخش چهارم (سازمان و تشکیلات مؤسسات خاص کودکان) آرایش داخلی این مؤسسات و مقررات حاکم بر پذیرش و نگهداری و برنامه بهداشتی، غذایی، تربیتی، آموزشی، مذهبی و اوقات فراغت کودکان در مدت حبس و همچنین رعایت و حمایت کرامت انسانی و حقوق فردی اساسی کلیه کودکان به تفصیل بیان شده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ۳۴۸)

در پایان این مطلب، ذکر این نکته لازم است که اساس این نوشتار، اسناد بین‌المللی خاص حقوق کودک است و سایر اسناد بین‌المللی که در آن اشاره به حقوق کودک می‌نماید، مورد بررسی قرار نمی‌گیرد که خود مقال و مجال دیگری را می‌طلبد. دیگر آنکه این پژوهش به بررسی جهات افتراقی و اصولی می‌پردازد که صرفاً در دادرسی کودکان و نوجوانان اعمال می‌شود و از بررسی سایر اصول حاکم بر دادرسی کیفری مانند اصل برائت، حق سکوت، اصل برابری سلاح، و.... خودداری می‌نماید.

۲- مرحله پیش از دادرسی

اولین تماس کودکان و نوجوانان با فرآیند دادرسی افتراقی، مرحله پیش از دادرسی است. به دلیل اهمیت اولین برخورد کودک یا نوجوان با دستگاه قضایی بر نوع نگاه ایشان بر این فرآیند، لازم است، سازوکارهای پیش‌بینی گردد تا آثار منفی بر روحیات و حالات کودکان و نوجوانان نگذارد و از دستگاه عدالت کیفری ناامید نگردد، زیرا همان‌گونه که ذکر شد، هدف اصلی از دادرسی کودکان و نوجوانان حمایت و هدایت از آنان، برای بازپروری و بازگشت به جامعه است. سازوکارهای مورد بحث در این مقطع، قضا‌دایی، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و دادسرای ویژه کودکان و نوجوانان می‌باشد.

۲-۱- قضا‌دایی

امروزه کارکرد حقوق کیفری در اصلاح و تربیت مجرم زیر سؤال قرار گرفته است. برجسب مجرمانه بر پیشانی مرتکب مانعی در بازسازی اجتماعی او است. این موضوع در خصوص کودکان و نوجوانان بزه‌کار نمود بیشتری دارد (اسدی، ۱۳۸۸: ۵۵). از این‌رو برای پرهیز از چنین آثاری قضا‌دایی یا جلوگیری از ورود کودک یا نوجوان به فرآیند کیفری مطرح می‌شود. قضا‌دایی عمده‌تاً در ارتباط با استفاده مقامات تعقیب جرم، از جانشین‌های کلاسیک کیفری در تعقیب و محاکمه جرایم است. اثر چنین روشی خارج کردن فرد مظنون از فرآیند رسیدگی قضایی کیفری بوده (غیرقضایی کردن) و ممکن است در هر مرحله از جریان رسیدگی صورت گیرد. (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۶) هدف اصلی قضا‌دایی، آموزش مجدد و دوباره اجتماعی نمودن کودکان و نوجوانان بزه‌کار، از طریق حفظ رابطه آنان با خانواده و جامعه است. در این رویکرد، جامعه می‌خواهد کودکان و نوجوانان بزه‌کار را از اقدامات اشتباه خود با شیوه‌ی دوستانه و انسانی آگاه سازد و به زندگی‌ای هدایت نماید که دیگر مجرمانه نیست.

بر این اساس، پیمان‌نامه حقوق کودک در بند ۳ ماده ۴۰ در مورد قضا‌دایی می‌گوید «در صورت مقتضی و مطلوب بودن اعمال تدابیری برای برخورد با اینگونه کودکان بدون توسل به دادرسی‌های قضایی منوط به اینکه حقوق بشر و ضمانت‌های حقوقی کاملاً رعایت شوند». همچنین مقررات پکن در بند ۱۱ خود، صریحاً به قضا‌دایی اشاره می‌کند که در برخورد با بزه‌کاران نوجوان، در موارد مقتضی بدون توسل به محاکمه رسمی، موضوع حل و فصل شود. در همین راستا بند ۲ - ۱۱ تأکید می‌کند که دادستانی و سایر نهادهای رسیدگی‌کننده به پرونده‌های نوجوانان، این اختیار را دارند تا این‌گونه پرونده‌ها را بدون ارجاع به رسیدگی‌های رسمی، طبق ضوابطی که بدین منظور در نظام قضایی مربوطه مقرر گردیده و همچنین بر اساس اصول مقررات پکن، اتخاذ تصمیم نمایند. بند ۵۸ اصول ریاض در این مورد بیان می‌کند که «مجریان قانون و سایر کارکنان ذیربط باید در جهت پاسخگویی به نیازهای خاص نوجوانان آموزش داده شود و برنامه‌ها و امکانات ارجاعی جهت

تغییر مسیر (قضا‌دایی) نوجوانان از نظام قضایی آشنا گردند و حداکثر استفاده ممکن را از آن به نمایندند». به این ترتیب، استفاده از قضا‌دایی در قبال بزه‌کاری کودکان و نوجوانان مورد توجه تدوین‌کنندگان اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق کودک قرار گرفته تا راهنمایی باشد برای کشورها تا در این جهت گام بردارند.

از این‌رو قانون‌گذار ایران، در تحولات اخیر خود به این موضوع توجه داشته و نهادهایی را جهت همسویی با قضا‌دایی وارد سامانه عدالت کیفری ایران نموده است. قانون‌گذار ایران با پیش‌بینی نهادهای چون، «قرار ترک تعقیب در جرایم قابل گذشت، ماده ۷۹ ق.آ.د.ک»، «قرار بایگانی نمودن پرونده در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ماده ۸۰ ق.آ.د.ک»، «قرار تعلیق تعقیب در در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت، ماده ۸۱ ق.آ.د.ک» و «قرار ارجاع به میانجی‌گری کیفری در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت، ماده ۸۲ ق.آ.د.ک» جایگزین‌های تعقیب دعوای عمومی را که منطبق با قضا‌دایی است (کوشکی، ۱۳۸۹: ۳۳۱) معرفی می‌نماید. لازم به ذکر است که «قرار ترک تعقیب» توسط دادستان، «قرار بایگانی نمودن پرونده» توسط قاضی دادگاه، «قرار تعلیق تعقیب و قرار ارجاع به میانجی‌گری»، توسط دادستان و قاضی دادگاه، قابل صدور است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نیز قانون‌گذار با پیش‌بینی نهاد «معافیت از کیفر در جرایم تعزیری هشت (ماده ۳۹)» و «تعویق صدور حکم در جرایم تعزیری شش تا هشت (ماده ۴۰)»، بار دیگر بر استفاده از قضا‌دایی تأکید می‌کند. البته در مورد اخیر طبق ماده ۹۴ ق.م.ا، دادگاه می‌تواند در تمام جرایم تعزیری نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد. استفاده از نهاد تعویق صدور حکم در تمام جرایم تعزیری نوجوانان از قاعده فقهی «التعزیر بما یراه الحاکم» (حلی، ۱۴۲۰: ۴۱۱) سرچشمه می‌گیرد که دست حاکم در تعیین مجازات تعزیری باز است.

۲-۲- پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

پلیس پیشانی دستگاه عدالت کیفری است و نخستین واکنش را نسبت به جرم رهبری می‌کند. با توجه به نقش حساس

و در صورت لزوم او را دستگیر کنند، ولی اجازه تحقیق از او را نداشته و باید به را به «دادگاه» اطفال و نوجوانان در مورد افراد زیر ۱۵ سال و یا به دادرسی ویژه نوجوانان در مورد افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تحویل دهند. اگر جرم «غیر مشهود» باشد در مورد افراد زیر ۱۵ سال باز پلیس ویژه دخالتي نداشته و دادگاه مذکور وظایفی را که بر عهده ضابطان است خود انجام می‌دهد و در مورد افراد ۱۵ تا ۱۸ سال نیز دادرسی ویژه نوجوانان صلاحیت داشته و مداخله این واحد نیروی انتظامی برای تحقیقات منوط به ارجاع آن از سوی بازپرس است. (خالقی، ۱۳۹۴: ۶۳) با این وصف، اینگونه به ذهن متبادر می‌گردد که پلیس اطفال جایگاهی نداشته و بهتر است عنوان این واحد تخصصی به پلیس ویژه نوجوانان تغییر یابد. (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۵۰)

بنابراین مشخص گردید که که کارایی پلیس ویژه در دادرسی افتراقی در مقررات کیفری ایران محدود می‌باشد، امری که برخلاف هدف تشکیل چنین پلیسی است. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری در مورد ویژگی‌های پلیس ویژه سکوت نموده است. اما نکته قابل توجه در مورد ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، انتخاب پلیس زن به عنوان پلیس ویژه است، زیرا ممنوعیتی بر این مورد وجود ندارد و نیز اطلاق کلمه «پلیس» شامل زن و مرد نیز می‌گردد. به نظر می‌رسد که برای ایفای نقش مؤثر و مفید پلیس ویژه در دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان، اصلاح ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری لازم و ضروری است.

۲-۳- دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان

در زمینه تأسیس دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان دو دیدگاه وجود دارد که یکی وجود آن را لازم دانسته و دیگری نفی می‌کند. اما نکته حائز اهمیت این است که گرچه حذف مراجع مقدم بر دادگاه در جهت جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی به طفل صورت گرفته است؛ اما چنانچه نهادهای مقدم بر دادگستری به صورت اختصاصی شوند وجود آنها منافع بیشتری نسبت به حذف آن خواهد داشت. زیرا با در نظر گرفتن تحولات صورت گرفته و اصول حاکم بر نظام عدالت کیفری اطفال و نیز توصیه‌های بین‌المللی، امروزه این اندیشه

پلیس در این عرصه، برخوردار بودن از دانش کافی جهت پاسخ به وضعیت‌های متفاوت ضروری است و از آنجایی که ارتکاب جرم توسط کودک یا نوجوان، یک وضعیت متفاوت از بزه‌کاری بزرگسالان را ایجاد می‌کند، متفاوت بودن پلیس بر اساس دانش و تخصص خود ضروری است. این تخصص، پلیس را کمک می‌کند تا از ایجاد آسیب‌های ناخواسته ناشی از دخالت قهرآمیز خود خودداری کند، زیرا که برخورد مساوی با بزه‌کاران بزرگسال از سوی پلیس می‌تواند کودک یا نوجوان را در وضعیت مخاطره آمیز قرار دهد (مهر، ۱۳۹۰: ۱۷). در همین راستا بند ۱۲ مقررات پکن مقرر نموده است «به منظور انجام بهینه وظایف خود مأموران انتظامی که غالباً یا منحصراً در رابطه با نوجوانان فعالیت دارند تعلیمات و آموزش ویژه دریافت خواهند داشت در شهرهای بزرگ، واحدهای ویژه پلیس باید بدین منظور ایجاد گردد» ولی کنوانسیون حقوق کودک در هیچ یک از مواد تصریحی به تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نکرده است، اما در بند ۳ ماده ۴۰ عنوان کرده که «کشورهای عضو تلاش خواهند نمود وضع قوانین و مقررات و تأسیس مراجع و نهادهایی که به کودکان مجرم، متهم، مظنون به نقض قوانین کیفری اختصاص دارند را ترویج نمایند». از این بند تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به صورت تلویحی برداشت می‌شود، زیرا این نهاد، یکی از مراجع اختصاصی مربوط به کودک یا نوجوان بزه‌کار است.

تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به این صورت پیش‌بینی گردید که «به‌منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود». با این حال تبصره ۱ ماده ۲۸۵ عنوان می‌دارد که «تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادرسی است انجام می‌دهد». بنابراین اگر پلیس ویژه در انجام وظایف خود در برابر طفل یا نوجوان تحقیق و بازجویی از او را لازم بداند باید قائل به تفکیک شد: اگر جرم «مشهود» باشد ضابطان فقط می‌توانند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار جرم، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند

مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد.^۱ البته برخلاف ظاهر این عبارت ممکن است که این دادگاه، دادگاه اطفال و نوجوانان نباشد، بلکه با توجه به ماده ۳۱۵^۲ و بر حسب نوع اتهام، ممکن است «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان باشد» (خالقی، ۱۳۹۴: ۳۱۶)

بنابراین، مشخص گردید که قانون‌گذار در مورد افراد کمتر از ۱۵ سال دخالت دادسرا جایز ندانسته و در مورد افراد ۱۵ تا ۱۸ سال دخالت دادسرا مفید و مؤثر دانسته است. دلیل این تفکیک را می‌توان این دانست که تعدد مراجع رسیدگی کننده که قاعداً متضمن حضور طولانی‌تر طفل در عرصه عدالت کیفری است، زمینه تکرار جرم را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر حضور مدت دار این دسته از تابعان حقوق کیفری در پهنه عدالت کیفری، با الصاق برچسب مجرمانه، به‌شدت در شکل‌گیری هویت مجرمانه و گرایش آنان به بزه‌کاری مؤثر است. در نتیجه چنین رویکردی بدین معنا است که نظام عدالت کیفری اطفال، نه تنها به دنبال مجازات کودکان و نوجوانان نیست، بلکه از سایر ظرفیت‌های قانونی بهره می‌گیرد، تا به اهداف مورد نظر خود دست یابد. (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۵۶)

یکی از محورهای مهم پیمان‌نامه حقوق کودک برای دادرسی افتراقی، «اصل مشارکتی بودن دادرسی» است. مشارکت طفل، والدین وی و اشخاص خبره به قاضی کمک می‌کند تا با ایجاد دادرسی مشارکتی، تصمیمی هرچه نزدیک‌تر به مصلحت طفل اتخاذ کند و به اهداف دادرسی عادلانه دست یابند. (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۹۱) بند ۲-۱۵ قواعد پکن حاکی از آن است که والدین یا سرپرست حق دارند در فرآیند دادرسی

بیشتر مورد توجه است که نهادهای مقدم بر دادگاه، به شرط آنکه با خصوصیات بزه‌کاری اطفال آشنایی کافی داشته باشند، می‌توانند پاسخ‌های مناسبی را برای اطفال بزه‌کار انتخاب و اعمال نمایند و زمینه‌ساز بازپروری ایشان گردند (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۵۳) بر این اساس، بند ۳ ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک، دولت‌ها را الزام به تدوین قوانین، رویه‌ها، مقامات و نهادهایی می‌کند که به طور خاص، قابل اجرا نسبت به کودکان بزه‌کار، متهم و یا مظنون به نقض قوانین کیفری، می‌باشند. این الزام شامل کلیه مراحل نظام عدالت کیفری نوجوانان می‌شود، یعنی از اولین تماس با نظام عدالت کیفری نوجوانان تا زمانی که مشارکت و حضور در این نظام به پایان برسد. (Hamilton, 2011: 12) به این ترتیب، تشکیل دادسرای ویژه کودکان و نوجوانان بر مبنای بند ۳ ماده ۴۰، یکی از حقوق آنان در پیمان‌نامه می‌باشد که در راستای دادرسی افتراقی است.

در نظام عدالت کیفری ایران، تشکیل دادسرای ویژه نوجوانان در ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری به این صورت پیش‌بینی شده است، «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرایم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید.» بر اساس ماده فوق قانون‌گذار ایران فقط تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال را در صلاحیت این دادسرا دانسته و این یک دادسرای ویژه برای نوجوان است. اما اگر همین افراد ۱۵ تا ۱۸ سال مرتکب جرایم مواد ۳۰۶ و ۳۴۰^۱ گردند، دادسرای ویژه نوجوانان صالح به تحقیقات مقدماتی نیست و مستقیماً در دادگاه تحقیقات مقدماتی صورت می‌گیرد. همچنین مطابق تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری «تحقیقات

۲- ماده ۳۱۵ «جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.»

۱- ماده ۳۰۶ «به جرائم منافی عفت به طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود». ماده ۳۴۰ «جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود....»

سپردن» به اشخاص مذکور در ماده قابل صدور است. در رابطه با کودکانی که تحقیقات مقدماتی آنان مستقیماً در دادگاه صورت می‌گیرد، با توجه به اطلاق «مرجع قضایی» در ماده مذکور، قاضی دادگاه، صالح به صدور این قرار می‌باشد. به دلیل نقش ممتاز خانواده در تربیت کودکان، پیش‌بینی دخالت خانواده در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب منتفی شدن صدور قرار بازداشت موقت در مورد طیفی از کودکان می‌گردد.

از دیگر موضوعات مهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، «بازداشت قبل از محاکمه» است. در صورتی که بازداشت قبل از محاکمه لازم و ضروری باشد، بند ب ماده ۳۷ پیمان‌نامه و بند ۱-۱۳ مقررات پکن، تأکید می‌نمایند که «بازداشت موقت فقط به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت زمان ممکن به کار گرفته خواهد شد». این امر، در ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است. در ماده مذکور، قانون‌گذار فقط در مورد افراد ۱۵ تا ۱۸ سال، در صورت عجز از معرفی کفیل یا ابداع وثیقه و یا در مورد جرایم پیش‌بینی شده در ماده ۲۳۷ این قانون، دادسرا یا دادگاه می‌تواند، قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند. قرار نگهداری موقت، تابع کلیه آثار و احکام بازداشت موقت می‌باشد. با این وصف، در مورد افراد ۱۵ تا ۱۸ سال، بازداشت موقت امری استثنایی و محدود است. در حقوق اسلام نیز مجازات حبس جنبه استثنایی دارد و محدود به موارد منصوص است و بیشتر از بابت پیشگیری از جرم عنوان شده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۰: ۲۲)

بند پ ماده ۳۷ پیمان‌نامه، تصریح می‌کند «کودک محروم از آزادی باید از بزرگسالان جدا نگهداری شود» و بند ۴-۱۳ مقررات پکن، می‌گوید «نوجوانان تحت بازداشت موقت، جدا از بزرگسالان نگهداری شده در بازداشتگاه جداگانه یا در بازداشتگاه‌های بزرگسالان در قسمتی مجزا نگهداری خواهند شد.» زیرا چه بسا این افراد پس از دوران بازداشت، برائت حاصل کنند یا آنکه به مجازاتی غیر از حبس محکوم شوند و از این‌رو قرار دادن آنها در معرض رفتارهای احتمالی افراد محکوم به حبس، ناموجه است. (معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، ۱۳۹۰: ۱۵۳) نکته قابل توجه آنکه، مقررات

شرکت کنند و ممکن است توسط مقامات صالح جهت منافع کودک برای شرکت در دادرسی، دعوت شوند. لکن در صورت وجود دلایلی مبنی بر فرض اینکه عدم حضور آنان در جهت مصالح نوجوانان ضروری می‌باشد، توسط مقامات صالحه، از حضور آنان ممانعت به عمل خواهد آمد. با این وصف، اصل بر حضور و مشارکت والدین نوجوانان بزه‌کار در فرآیند دادرسی است، مگر آنکه حضور والدین یا سرپرستان در جلسه رسیدگی نقش منفی داشته باشد، مانند برخورد قهرآمیز و فیزیکی والدین یا سرپرستان با نوجوانان، که در این صورت ممانعت از حضور آنان به نفع نوجوانان می‌باشد. علت چنین حکمی را باید «حق کودک به شنیدن شدن»^۱ در پیمان‌نامه حقوق کودک دانست، زیرا انتظار شنیده شدن آزادانه دیدگاه‌ها و نظرات کودک یا نوجوان بدون کمک والدین یا سرپرستان دشوار است. (Hamilton, 2011: 30) بر این اساس، مشارکت کودک یا نوجوان و والدین یا سرپرستان آنها، بر مبنای ماده ۱۲ پیمان‌نامه حقوق کودک، الزامی است که بر عهده کشورهای عضو می‌باشد.

در همین راستا، ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری این‌گونه به استقبال اصل مشارکت می‌رود: «در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بدانند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند...» طبق این ماده در مورد افراد کمتر از ۱۵ سال، با هر اتهامی صرفاً «قرار

۱- ماده ۱۲ پیمان‌نامه حقوق کودک در مورد حق شنیدن شدن می‌گوید «کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که کودکی که قادر به شکل دادن دیدگاه خود می‌باشد، حق ابراز آزادانه این عقاید را در کلیه اموری که به وی مربوط می‌شود داشته باشد و متناسب با سن و میزان رشد فکری کودک به نظرات وی اهمیت لازم داده شود. به این منظور باید به ویژه برای کودک فرصتی فراهم شود تا بتواند در کلیه مراحل رسیدگی قضایی و اجرایی مربوط به خود مستقیماً یا از طریق یک نماینده یا مرجع مناسب به روشی منطبق با مقررات آیین دادرسی در قوانین داخلی اظهار نظر نمایند.»

در مرحله تحقیقات مقدماتی برای حفاظت کودک یا نوجوان از پذیرش اجباری اتهام امری حیاتی است و نیز عاملی مهمی برای دادگاه، در تعیین دواطلبانه و معتبر بودن اقرار/اعتراف کودک یا نوجوان، می‌باشد.

ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد حق داشتن وکیل برای کودک یا نوجوان و الزام مرجع قضایی برای تعیین وکیل برای آنان، بیان می‌کند «در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادرسی و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند.» الزام این ماده در جهت تعیین وکیل برای کودکان و نوجوانان، شامل هر دو مرحله «دادرسی» و «دادگاه» می‌شود که مطابق با مقررات بین‌المللی بیان شده می‌باشد. به این دلیل این مورد جزء مصادیق افتراقی دادرسی کودکان و نوجوانان با بزرگسالان می‌باشد که قانون‌گذار در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری حق داشتن وکیل را به متهم بزرگسال تفهیم و ابلاغ می‌نماید و تکلیف جهت تعیین وکیل برای وی ندارد، مگر آنکه مجازات آن جرم، «سلب حیات» یا «حبس ابد» باشد، که بازپرس برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌نماید. اما در مورد کودکان و نوجوانان وضع متفاوت می‌باشد و مرجع قضایی در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون عذر موجه، مکلف به تعیین وکیل برای کودکان و نوجوانان می‌باشد. البته ایراد وارده به ماده ۴۱۵ این می‌باشد که در مورد رایگان بودن خدمات حقوقی و مشاوره حقوقی، سخنی به میان نیامده است.

قابل ذکر است که ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد صلاحیت «دادگاه کیفری یک» عنوان می‌نماید، جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود «الف - جرایم موجب مجازات سلب حیات؛ ب - جرایم موجب حبس ابد؛ پ -

پکن در بند ۱-۲۶ و ۲-۲۶ نام مکان نگهداری کودکان و نوجوانان را «مؤسسات نگهداری» یاد می‌کند و به دلیل بار منفی زندان، حتی از نام بردن آن پرهیز می‌نماید. این امر در حقوق کیفری ایران نیز جاری می‌باشد و ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری، سخن از نگهداری در «کانون اصلاح و تربیت» به میان آورد و استفاده از واژه زندان یا بازداشتگاه را صواب نمی‌داند. طبق ماده ۵۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری «کانون‌های اصلاح و تربیت، اماکنی هستند که برای نگهداری و تربیت اطفال و نوجوانان موضوع این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، در مراکز استان‌ها و به تناسب نیاز و ضرورت با تشخیص رییس قوه قضاییه در سایر مناطق کشور ایجاد شده‌اند و یا ایجاد می‌شوند.» همچنین، آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان مصوب ۱۳۸۵، در تبصره ۲ ماده ۵ در خصوص تفکیک کودکان و نوجوانان از بزرگسالان می‌گوید «معرفی اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال به زندان ممنوع بوده و چنانچه به دستور مراجع قضایی اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال به زندان اعزام گردند رؤسای زندان‌ها مکلفند بلافاصله آنان را به کانون اصلاح و تربیت اعزام نمایند.»

«حق بهره‌مندی از وکیل و مشاور حقوقی» در مرحله تحقیقات مقدماتی یکی از مهم‌ترین حقوق کودکان و نوجوانان و ضامن تحقق دادرسی عادلانه است. پیمان‌نامه حقوق کودک در بند ۲ قسمت ب ماده ۴۰ به حق کودک مظنون یا متهم مبنی بر برخورداری از کمک‌های حقوقی، مقررات پکن نیز به حق کودک و نوجوان بر بهره‌مندی از خدمات مشاور حقوقی و معاضدت حقوقی رایگان در بند ۱-۱۵ خود اشاره دارد و مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی نیز در شق الف بند ۱۸ بر این حق تأکید کرده است. به خصوص در مورد کمک به کودکان و نوجوانان محروم از آزادی بند ت ماده ۳۷ پیمان‌نامه می‌گوید «هر کودک محروم از آزادی، حق دسترسی فوری به کمک‌های حقوقی و سایر مساعدت‌های مقتضی را داشته باشد.» همه این موارد، بدان معنی است که قبل از بازجویی اولیه پلیس، کودک یا نوجوان مظنون باید در مورد حق خود برای مشورت با وکیل یا مشاور حقوقی، مطلع باشد. (Liefaard & Van den Brink, 2014:208) زیرا حضور مشاور حقوقی و وکیل

عالیه کودک است. به همین منظور ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌گوید، «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود» و ترکیب این دادگاه طبق ماده ۲۹۸ متشکل از «یک قاضی و یک مشاور» می‌باشد که نظر مشاور، مشورتی است. همچنین مطابق ماده ۳۱۵ قانون مذکور، «اگر جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود، اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد، در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی می‌شود»، که در این دادگاه نیز حضور مشاور الزامی است. از این‌رو، تخصص‌گرایی مدنظر پیمان‌نامه، در قانون ایران پیش‌بینی شده که ارکان این تخصص‌گرایی، قاضی ویژه کودک و نوجوان و مشاور متخصص است.

برای تأمین اهداف دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان و تأمین منافع عالیه آنها، «قاضی ویژه کودکان و نوجوانان»، مهم‌ترین رکن این تخصص‌گرایی می‌باشد. زیرا تصمیم نهایی در مورد بزه‌کاری کودک یا نوجوان را قاضی می‌گیرد و از این‌رو لازم است که قاضی متخصص در رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان، آشنایی با مسائل روان‌شناختی، اجتماعی و نیز شرایط سنی و تجربه را داشته باشد. قاضی دادگاه کودکان و نوجوانان باید در سنی باشد که امکان برقراری ارتباط مؤثر و مناسب را با کودک داشته باشد، همچنین تجربه قاضی در برخورد با کودک بسیار مهم است و ایجاد تعادل بین این دو ضروری است. (اسدی، ۱۳۸۸: ۵۱)

در این راستا، مقررات پکن در ماده ۱-۲۲ مقرر نموده است «تحصیلات تخصصی، آموزش ضمن خدمت، دوره‌های بازآموزی و سایر طرق آموزشی در جهت ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه‌ای ضروری کلیه کارکنان مرتبط با پرونده‌های نوجوانان به کار گرفته خواهد شد.» همین معنا از صدر بند یک ماده ۴ پیمان‌نامه حقوق کودک، بند ۶ ماده ۱ و بند ۳ ماده ۶ مقررات پکن و بند ۸ ماده ۵ رهنمودهای ریاض مستفاد می‌گردد که جملگی بر آموزش‌های خاص برای قاضی ویژه کودکان و نوجوانان، در جهت ارائه پاسخ مناسب به نیازهای آنان، تأکید دارند.

جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن؛ ت - جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر؛ ث - جرایم سیاسی و مطبوعاتی.» البته طبق ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری اگر این جرایم توسط اطفال بالغ زیر ۱۸ سال صورت گیرد، در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان که شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک است، رسیدگی می‌شود و متهم نیز حق داشتن وکیل و مشاور حقوقی را در این دادگاه دارد. می‌توان نتیجه گرفت که از آنجا که افراد نابالغ اصولاً فاقد مسؤولیت کیفری بوده و قابل مجازات نیستند، قانون‌گذار آنها را در این دادگاه قابل محاکمه دانسته و در نتیجه در مورد این افراد با توجه به عموم عبارت صدر ماده ۳۰۴ باید قائل به صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان شد. (خالقی، ۱۳۹۴: ۳۶۸)

۳- مرحله دادرسی

آرمان رویکرد افتراقی به دادرسی کودکان و نوجوانان، اتخاذ تصمیم‌های مناسب و پاسخ‌های بازپروانه می‌باشد. زیرا کودکان و نوجوانان بزه‌کار در مرحله رشد و پرورش قرار دارند و اتخاذ هرگونه تصمیم از سوی نظام عدالت کیفری می‌تواند در آینده رفتاری آنان تأثیرگذار باشد. (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۳۳) در واقع می‌توان گفت هرگونه سیاست یا تصمیمی که برای کودکان و نوجوانان گرفته می‌شود، باید در جهت حفظ کرامت و شخصیت آنها باشد. زیرا، رعایت این امر که یکی از حقوق بنیادین کودکان و نوجوانان است، در ماده ۲ پیمان‌نامه حقوق کودک با عنوان «مصلح عالیه کودک» مورد تأکید قرار گرفته است. از این‌رو برای تحقق رعایت مصالح عالیه کودکان در تصمیم‌های قضایی، نظام عدالت کیفری کودکان و نوجوانان باید مجهز به امکانات و اختیاراتی باشد، که ادامه این نوشتار به بحث و بررسی آن می‌پردازد.

۳-۱- دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان

مطابق بند ۳ ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک، تخصص‌گرایی یکی از ویژگی‌های اساسی نظام عدالت کیفری کودکان و نوجوانان است. ایجاد دادگاه‌های ویژه کودک و نوجوان، یکی دیگر از مصادیق بند ۳ ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک می‌باشد که در راستای تأمین منافع

نوجوانان در مورد دخالت در فعالیت‌های مجرمانه، مؤثر باشد و نیز، نوجوانان نسبت به بزرگسالان، کمتر قابل سرزنش می‌باشند و نباید برای جرایم آنان مجازاتی مشابه با جرایم بزرگسالان در نظر گرفت. (Scott, 2013: 95) از این‌رو، قاضی ویژه باید صلاحیت، توانایی، و مهارت کافی جهت برقراری ارتباط شایسته با کودک یا نوجوان معارض با قانون را برای شناخت ظرفیت وی جهت بازسازی و اصلاح داشته باشد. کیفیت یک تصمیم قضایی در مورد کودکان و نوجوانان، به طور مستقیم با کیفیت علم و دانش قاضی و مهارت او در برقراری ارتباط با همه بازیگران نظام عدالت کیفری کودکان (خانواده بزه‌کار و بزه‌دیده، شهود، پلیس ویژه، وکلا،...)، مرتبط است.

یکی دیگر از ارکان دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان، «مشاور متخصص کودک» است. از جمله خصوصیات بارز دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان، استفاده از نظریات کارشناسان و متخصصان غیر حقوقی در پروسه تصمیم‌گیری قضایی نسبت به اعمال بزه‌کارانه است. در دهه‌های اخیر، استفاده از نظرات علمی و تخصصی کارشناسان غیرحقوقی در مراحل تصمیم‌گیری مورد توجه و تأکید قرار گرفت. از جمله حوزه‌هایی که در حقوق کیفری نه تنها جهت اجرای این فرضیات علمی مورد توصیه قرار گرفت، بلکه با استقبال شایان توجهی مواجه گردید، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان است. بدیهی است نقشه نظرات فنی و تخصصی کارشناسان غیر حقوقی در تصمیمات دادگاه اطفال بر کسی پوشیده نیست. ابتکار شرکت قضات غیرحرفه‌ای (مشاورین و جلب نظرات کارشناسان در رشته‌های مختلف) در روند تصمیم‌گیری، در حقیقت از فلسفه وجودی دادگاه کودکان و نوجوانان نشأت می‌گیرد. وقتی هدف از تأسیس و تشکیل دادگاه کودکان و نوجوانان تبیین علت و جرم و صدور تصمیماتی در جهت اصلاح، درمان و تربیت آنان باشد، لذا بهتر است که در تشکیل دادگاه از متخصصین امور تربیتی اجتماعی و روانی نیز استفاده شود. اولین قدم در مسیر استفاده از متخصصین غیرحقوقی، استفاده از مشاوره در دادگاه کودکان و نوجوانان است. مشاورین باید اصولاً از افرادی صاحب نظر در مسائل کودکان و حتی‌الامکان با تخصص

قانون‌گذار ایران در ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری به این موضوع توجه داشته و در بیان شرایط قاضی ویژه می‌گوید «قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بدانند، انتخاب می‌کند.» ماده مذکور از آن جهت که دوره آموزشی را مستمر نمی‌داند، دارای ایراد است. زیرا با توجه به نوآوری‌های موجود در علوم بشری، لازم است که دوره‌های آموزشی مستمر باشد و قضات ویژه، همسنگ با تحولات علمی، نسبت به مسائل کودکان و نوجوانان به‌روز باشند. با این وصف، اگر قاضی کودکان و نوجوانان فاقد ویژگی‌های مذکور در ماده فوق باشند، ممکن است با یک تصمیم نادرست آینده کودک یا نوجوان را تباه نماید. زیرا هدف اصلی نظام عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، بازسازی و اصلاح رفتار آنان است.

مقامات دادگاه کودکان و نوجوانان ممکن است افرادی با زمینه‌های مختلف اجتماعی و حرفه‌ای باشند. هر چند آموزش مسائل حقوقی و سایر آموزش‌ها به عنوان یک عنصر ضروری جهت تضمین، دادرسی منصفانه و مؤثر نظام عدالت کیفری کودکان و نوجوانان است، اما شناخت و درک رشد فیزیکی، روحی، روانی و اجتماعی کودک یا نوجوان، مهمترین جنبه وظیفه آنها می‌باشد. (Manco, 2016: 76) همچنین کارکرد قضات ویژه، شناسایی کودک یا نوجوان در معرض خطر است تا مانع از تبدیل آنها به مجرمین خطرناک گردند. زیرا قاضی ویژه باید کودک یا نوجوان بزه‌کار را، بعنوان فردی در معرض خطر ببیند که باید وی را نجات دهد و نه مجازات نماید. به همین دلیل، تمرکز قضات ویژه، بیشتر باید بر روی نیازهای اجتماعی، اخلاقی و عاطفی کودک و نوجوانان متخلف، در جهت اصلاح رفتار انحرافی آنها باشد. (Manco, 2016: 72)

بنابراین، در همین راستا و نیز در جهت رعایت منافع عالیه کودکان و نوجوانان، مهم‌ترین رکن تصمیم دادگاه برای آنها، «توانایی جوانان برای اصلاح و بازپروری» است. زیرا امروزه، مطالعات علوم اعصاب نشان می‌دهد، عدم بلوغ در عملکرد اجرایی مغز در دوران نوجوانی ممکن است بر تصمیمات

غیرحقوقی باشند. از جمله موارد دیگری که دادگاه کودکان و نوجوانان از نظریات تخصصی صاحب نظران غیرحقوقی استفاده می‌کنند، جلب نظرات کارشناسان از جمله پزشک، روان‌پزشک، روان‌شناس، جامعه‌شناس، مددکاران اجتماعی و غیره است که نقش مهمی در اتخاذ تصمیمات قضایی ایفا می‌نمایند. بنابراین منعطف‌ترین تصمیمات قضایی در حوزه حقوق کیفری عبارت است از تصمیمات اتخاذی در زمینه حقوق کیفری کودکان و نوجوانان که در بر گیرنده مشارکت بیشترین آراء غیرحقوقی در پروسه یک تصمیم قضایی است. (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۸۸)

پیمان‌نامه حقوق کودک در ماده ۴۰ از دادرسی عادلانه مطابق قانون و همراه با کمک حقوقی یا دیگر کمک‌های مقتضی نام برده است. این معنا اگر چه صراحتی بر استفاده از مشاوره در دادرسی کودکان و نوجوانان ندارد، اما ادله این تأکید با عبارت «و منوط به معایر نبودن با منافع عالیه کودک به ویژه با توجه به سن یا وضعیت کودک»، می‌تواند ضرورت مشاوره را نیز در خود بگنجانند. همین ماده در بند ۴ اشاره به مشاوره دارد که هر نوع همیاری مشاوره‌ای، از جمله مشاوره حقوقی و روان‌شناسی را نیز در بر می‌گیرد. مطابق این بند «به منظور تضمین اینکه با کودکان به روشی متناسب با رفاه و شرایط و جرم آنها رفتار شود، باید تمهیدات گوناگونی از قبیل مقررات مراقبت، راهنمایی و نظارت و مشاوره در مؤسسات فراهم باشد». بنابراین مرجع اعلام‌های قضایی از وضعیت کودک و نوجوان است. همچنین مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی در ماده ۸۱، به استفاده از کارکنان متخصص در اجرای تدابیر کیفری نسبت به نوجوانان تأکید کرده و مقرر داشته است که کارکنان باید واجد صلاحیت بوده و شامل تعداد کافی متخصصان از قبیل معلمان، مدرسان حرفه‌ای، مشاوران، مددکاران اجتماعی، روان‌پزشکان و روانشناسان باشند. (اسدی، ۱۳۸۸: ۵۳)

در همین راستا، قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۹۸ از حضور یک مشاور در ترکیب دادگاه سخن می‌گوید و در ماده ۴۱۰ در خصوص شرایط مشاور بیان می‌کند «مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به

مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند. تبصره ۲ - در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.» با توجه به هدف والای نظام عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، یعنی رعایت منافع عالیه در همه تصمیم‌گیری‌های مربوط به آنها، برای رسیدن به این هدف نمی‌توان به حضور صرفاً یک قاضی اکتفا کرد. در واقع قضات این دادگاه به همه علوم مجهز نیستند و اگر قضات مکلف به یادگیری سایر علوم شوند، این امر غیر ممکن است؛ لذا قانون‌گذار تلاش کرده است متخصصان علوم دیگر را در کنار خود داشته باشد و از آن‌ها استفاده کند تا قضات بهترین تصمیم را در خصوص کودک بگیرند. قانون‌گذار حضور مشاور را الزامی دانسته یعنی قاضی بدون توجه به نظر مشاور نباید و به صلاح نیست که اتخاذ تصمیم کند. البته ایراد مواد فوق آن است که قانون‌گذار در پی اصلاحات سال ۱۳۹۴، صرفاً حضور یک مشاور را الزامی دانسته، اما ماده ۴۱۰ سخن از «مشاوران» می‌گوید و حتی تبصره ماده مذکور می‌گوید «یکی از مشاوران...» که حاکی آن است که تعداد مشاور بیش از یک نفر می‌باشد. به نظر می‌رسد اصلاح ماده ۲۹۸ و تصریح به حضور دو مشاور امری ضروری و در جهت مصالح کودکان و نوجوانان می‌باشد.

۲-۳- محدودیت دادگاه در اعمال مجازات سالب حیات و آزادی

یکی دیگر از ویژگی‌های دادرسی افتراقی، محدودیت دادگاه در استفاده از مجازات «سالب حیات» و «سالب آزادی» است. مطابق با بند ۱ ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک «کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که مجازات اعدام یا حبس ابد بدون امکان آزادی، نباید در مورد جرم‌هایی که اشخاص زیر ۱۸ سال مرتکب می‌شوند، اعمال گردد.» مبدأ این منع، زمان ارتکاب جرم است و به همین دلیل نمی‌توان کودکی را که در ۱۶ سالگی مرتکب قتل شده، پس از طی فرایند محاکمه زندانی کرده و پس از رسیدن به ۱۸ سالگی اعدام نمود. (السان، ۱۳۸۷: ۱۸۳) یکی از دلایل پیش‌بینی ممنوعیت مجازات اعدام برای کودکان و نوجوانان، جایگاه حق حیات در میان حقوق و آزادی‌های اساسی است، به طوری که می‌توان گفت این حق مبنای تمامی حقوق دیگر نیز هست (داشاب،

این صورت» اشاره به فرضی است که نابالغ مرتکب جرم کمتر از ۱۲ سال سن داشته باشد، که در صورت ارتکاب جرایم مستوجب حد یا قصاص توسط وی، امکان اعمال واکنش‌های تربیتی و مراقبتی مذکور در بندهای الف و ب ماده ۸۸ در موردوی وجود دارد. بدون آنکه حداقل سنی برای این نوع واکنش‌ها در نظر گرفته شده باشد.

در صورتی که مرتکب جرم موجب حد یا قصاص افراد «بالغ» باشند، ماده ۹۱ بیان می‌دارد: «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام‌شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند. تبصره - دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.» این ماده را می‌توان گامی مؤثر در جهت در جهت همسویی تکریم حق حیات، کاستن مجازات‌های سالب حیات و هم‌سویی با مقررات بین‌المللی حقوق کودک دانست. همچنین پشتوانه فقهی این ماده، قاعده احتیاط در دماء، قاعده مبتنی بودن حدود بر مسامحه، اصل حقن دماء، قاعده عدم تهجم بر دماء، قاعده درأ، قاعده ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه در مجازات، قاعده عدم مجازات به عنوان یک مرجع، اصول سهولت و مدارا می‌باشد، که در فقه امامیه مطرح گردیده و نشان‌دهنده اهمیت شگرف حق حیات در پارادایم دینی است. (برهانی و مسائلی، ۱۳۹۶: ۳۲۳)

بنابراین ممنوعیت مجازات اعدام در مورد نوجوانان، حصول اطمینان از حق زندگی، بقا و رشد کودکان است، زیرا این موضوع پذیرفته شده، که بزه‌کاری، تأثیر بسیار منفی بر رشد کودک دارد. بنابراین، کشورهای عضو پیمان‌نامه حقوق کودک، باید ابتکاراتی را جهت توسعه سیاست‌های ملی و برنامه‌های ملی برای پاسخ دادن به تخلفات نوجوانان به شیوه‌هایی که از حق حیات کودکان و نوجوانان حمایت می‌کند، به کار گیرند. برخی از این ابتکارات محدود نمودن موارد اعمال مجازات سالب حیات علیه کودکان و نوجوانان است. زیرا قابلیت اصلاح‌پذیری کودکان و نوجوانان به مراتب

(۱۳۸۵: ۶۶) به بیانی دیگر، هدف از انشای این ماده حمایت از حق حیات افراد کمتر از ۱۸ بوده است، حتی که در ماده ۶ پیمان به این شرح آمده است «کشورهای عضو، حق ذاتی تمام کودکان را برای زندگی به رسمیت می‌شناسند. همچنین کشورهای عضو، بقا و رشد کودک را تا حد امکان تضمین خواهند کرد.»

هرچند حق حیات به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر، توسط تعداد زیادی از کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای فعال در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است، (دشاب، ۱۳۸۵: ۶۸) اما مجازات اعدام نیز همواره موافقان و مخالفانی را در سطح جهان داشته است. روی هم رفته دیدگاه موافقان و مخالفان اعدام را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد: از دیدگاه موافقان اربعان انگیزه و قاطعیت اعدام آن را عادلانه‌ترین و مناسب‌ترین گزینه در پاسخ به قانون‌شکنان و برهم‌زنندگان نظم و امنیت جامعه گردانده است. وانگهی، اعدام بزه‌کار بهترین ابزار برای جبران درد و رنج‌های بزه‌دیده به شمار می‌رود. از نگاه مخالفان بازگشت ناپذیری (جبران‌ناپذیربودن) و ستم‌گرانه بودن اعدام، از آن گزینه‌های بیهوده ساخته که در پیشگیری از بزه‌کاری و تکرار جرم مؤثر نبوده است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۱۳)

در حقوق کیفری ایران، مجازات سالب حیات در جرایم موجب قصاص و حد، در صورتی قابل تصور است که مجرم بالغ باشد و افراد نابالغ فاقد مسؤولیت کیفری می‌باشند. در صورتی که مرتکب جرم موجب حد یا قصاص افراد «نابالغ» باشند، قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۸۸ می‌گوید «هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد، در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می‌شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.» قسمت صدر این تبصره صرفاً در مورد «پسران» اعمال می‌شود، زیرا موضوع آن، «نابالغی» که بین ۱۲ تا ۱۵ سال سن داشته باشد. از آنجا که طبق ماده ۱۴۷ همین قانون، دختری که بیش از ۹ سال سن داشته باشد بالغ محسوب می‌شود، منظور از نابالغ ۱۲ تا ۱۵ ساله مذکور در این تبصره صرفاً نابالغ مذاکره یعنی پسر است. منظور از عبارت در «غیر

– اصلاحی؛ ج) ۱۲ تا ۱۵ سال، پاسخ‌های تربیتی – تنبیهی؛ د) ۱۵ تا ۱۸ سال، پاسخ‌های تنبیهی تخفیف یافته. (سوادکوی فر و کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۵۲)

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مقرر نموده است که اطفال ۹ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرایم تعزیری مشمول یکی از تصمیمات مندرج در بندهای (الف) تا (ث) ماده ۸۸ قرار می‌گیرند. اما طبق تبصره ۱ همین ماده، تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط در قبال افراد ۱۲ تا ۱۵ سال قابلیت اجرایی دارد و در مورد گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال، صرفاً موارد مذکور در بندهای (الف) تا (پ) قابل اعمال است. در مورد گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال تبصره ۱ ماده ۸۸ می‌گوید: «تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرایم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.» قانون‌گذار در ماده ۸۸ از تعبیر «اطفال و نوجوانان بین» سنین ۹ تا ۱۵ سال استفاده کرده است. ماده ۸۸، با استفاده از تعبیر گسترده‌تر «اطفال و نوجوانان» شامل دختران و پسران، هر دو می‌شود. با توجه به این مراتب، دختری که سن بلوغ را پشت سر گذاشته و طبق نظر مشهور فقهای امامیه مسؤولیت کیفری کامل پیدا کرده است، تا زمانی که به سن ۱۵ سال تمام نرسیده است، در صورت ارتکاب جرم تعزیری با واکنش تخفیف یافته‌ای مشابه هم‌تایان مذکر خود مواجه می‌شود. این تغییر مهم بخشی از ایرادات وارد بر قوانین سابق از حیث تبعیض بین دختران و پسران در باب مسؤولیت کیفری را برطرف ساخته است. (صبوری پور و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۱۸۴)

پس از گذر از سن ۱۵ سال تا رسیدن به سن ۱۸ سال دختران و پسرانی که مرتکب جرم تعزیری شوند، مشمول ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هستند. در این ماده مقرر شده است که مجرمان این رده سنی، بسته به نوع جرم به یکی از مجازات‌های مذکور در این ماده محکوم می‌شوند که شدیدترین آنها پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است. گرچه قانون‌گذار سن مسؤولیت کیفری را صراحتاً افزایش نداده اما با پیش‌بینی نظام تدریجی مسؤولیت کیفری، دامنه حمایت‌های اصلاحی و تربیتی خود را توسعه داده و این

بیشتر از بزرگسالان است و در صورت دریافت پاسخ‌های اصلاحی – تربیتی، به راحتی قادرند دوباره به جامعه بپیوندند.

دیگر ویژگی احکام دادرسی افتراقی، محدودیت دادگاه در استفاده از مجازات «سالب آزادی» است. به دلیل آنکه زندان در راستای اهداف خود یعنی اصلاح و تربیت موفق عمل نکرده و آثار سوئی چون، تورم جمعیت زندانی، سوءتغذیه، فقدان یا کمبود مراقبت‌های پزشکی، سوء رفتارهای جنسی، شیوع بیماری‌ها، افزایش حالت خطرناک برخی زندانیان از قبیل همجنس‌بازان یا معتادان، ایجاد نفرت نسبت به جامعه و تأثیر سوء زندان بر خانواده‌های زندانیان را به همراه داشته، اسناد بین‌المللی حقوق کودک در مورد زندانی کردن کودکان محدودیت‌هایی را به شرح ذیل بیان نمودند. بر اساس بند ۱ ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک «... حبس ابد بدون امکان آزادی نباید در مورد جرم‌هایی که اشخاص زیر ۱۸ سال مرتکب می‌شوند، اعمال گردد» بند ب ماده مذکور می‌گوید «...بازداشت یا زندانی کردن کودک باید مطابق قانون و تنها به عنوان آخرین راه چاره و در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت پذیرد.» ماده ۱۹ قواعد پکن نیز، در مورد حبس تأکید دارد که باید به «کوتاه‌ترین زمان ممکن» بسنده شود. همچنین به موجب قاعد ۶۷ مقررات ریاض، حبس انفرادی نوجوانان، اکیداً ممنوع است. همچنین استفاده از مجازات حبس برای افراد کمتر از ۱۸ سال، مخالف برخی از حقوق شناخته شده وی از قبیل، حق آموزش و پرورش، حق بودن با والدین، حق بر سلامت و حق بازی و تفریح و... می‌باشد.

در حقوق کیفری ایران، گسترده مجازات حبس، بیشتر در جرایم تعزیری نمود دارد و در جرایم موجب قصاص و حد، به صورت معدودی از این مجازات استفاده شده است. از جمله مجازات مکروه و ممسک در قتل، مجازات مرتکب سرقت حدی در مرتبه سوم که مجازات در این مورد حبس ابد است، و نیز مجازات فراری دهنده قاتل از دست اولیای دم مقتول که باید تا زمان تحویل دادن قاتل در حبس بماند. از این‌رو، قانون‌گذار ایران در ماده ۸۸ و ۸۹ در صورت ارتکاب «جرایم تعزیری» توسط کودکان و نوجوانان تصمیمات مختلفی را با توجه به سن آنان پیش‌بینی نموده است. الف) تا ۹ سال، معاف از مسؤولیت کیفری؛ ب) ۹ تا ۱۲ سال، پاسخ‌های تربیتی

حضور والدین یا سرپرست قانونی می‌باشد. ضمن اعلام خوشحالی و خرسندی از اصلاحات قضایی صورت گرفته در ذیل پاره‌ای از پیشنهادها در جهت رفع برخی از کمبودها و کاستی‌های موجود ارائه می‌گردد، زیرا، آرمان دادرسی افتراقی، اصلاح، بازپروری و پیشگیری از تکرار بزه می‌باشد. امری که در گرو همکاری تمامی دست اندرکاران اعم از قضایی و غیر قضایی است:

- تشکیل پلیس ویژه کودکان و تعیین صلاحیت وی در امر قضازدایی پلیسی؛

- رایگان نمودن دسترسی به وکلا و خدمات حقوقی؛

- برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای قضات و سایر مقامات دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان؛

- پیش‌بینی حضور مشاور در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی؛
و

- افزایش تعداد مشاور به دو نفر در مرحله دادگاه که یکی از آنان، در هر صورت از بانوان باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله تماماً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

حمایت‌ها را تا حد شمول بر افراد کمتر از ۱۸ سال، که با هیچ قرائتی از منابع فقهی نمی‌توان آنها را کودک نامید، گسترده ساخته است. در نتیجه قانون‌گذار برای گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال نگهداری در کانون برای مدت ۲ تا ۵ سال را جایگزین حبس بیش از ۱۰ سال تا حبس ابد کرده است که این خود نشان‌دهنده روی‌گردانی مقنن از رویکرد مجازات‌گرا و سزا دهنده و توجه او به رویکرد اصلاحی و بازپرورانه در مورد این گروه سنی دارد. (صبوری پور و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۱۸۵)

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات اساسی و بنیادین حقوق بشر، مسأله عدالت کیفری کودکان و نوجوانان می‌باشد. این امر در اسناد مختلف سازمان ملل متحد مورد تأکید و حمایت قرار گرفته است. اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق کودک، حقوق متعددی را بیان می‌نماید تا کشورهای عضو در مقررات داخلی خود نسبت به کودکان و نوجوانان اعمال نمایند. یکی از این حقوق، حق دادرسی افتراقی برای کودکان و نوجوانان معارض با قانون است. به بیان دیگر، امروزه سرمایه‌گذاری در اجرای برنامه‌ها و خدمات، برای مراقبت و حمایت از کودکان و نوجوانان در رسیدگی‌های قضایی، به عنوان بخشی از فرآیند توسعه ملی هر کشوری قلمداد می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، رویکردی قابل تحسین در جهت دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان معارض با قانون اتخاذ نموده است.

قانون‌گذار ایرانی، با هدف ترویج گفتمان دادرسی افتراقی، به نحوه شایسته‌ای از اسناد بین‌المللی حقوق کودک، اعم از الزام‌آور و غیر الزام‌آور، به منظور تدوین این مقررات، بهره‌برداری نمود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بیانگر تحولات خوبی در قوانین کودکان و نوجوانان می‌باشد، به طوری که رسیدگی به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان، بستگی به سن آنان متفاوت است و پاسخ‌ها و تصمیم‌های در نظر گرفته شده نیز با یکدیگر تفاوت دارند. از جمله موضوعاتی که در این قانون مورد توجه و تأکید قرار گرفته، حضور مشاور در دادگاه کودکان و نوجوانان، تشکیل پلیس ویژه نوجوانان، تشکیل پرونده شخصیت، حضور وکیل و

- مهرا، نسرين (۱۳۹۰). عدالت کیفری اطفال و نوجوانان. چاپ نخست، تهران: انتشارات میزان.

- میرکمالی، علیرضا و حسینی، انیسه (۱۳۹۵). «دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، ۷(۲): ۲۴۵-۲۷۲.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). درباره سن و علوم جنایی. دیپاچه در: مبانی پیشگیری اجتماعی رشدمدار از بزه کاری اطفال و نوجوانان، نوشته محمود رجبی پور، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۵). «سیاست جنایی سازمان ملل متحد». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۸(۱): ۳۵۵-۲۸۹.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰). دانشنامه جرم شناسی. چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۳). حقوق کیفری کودکان و نوجوانان. چاپ نخست، تهران: انتشارات میزان.

- هاشمی اردستانی، کامران (۱۳۸۷). «کشورهای مسلمان، حق شرطها و ماده ۲ پیمان حقوق کودک در مورد تبعیض». فصلنامه حقوق بشر، ۳(۱): ۸۱-۱۰۲.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود (بی تا). زندان: ضرورت نه مجازات؟. چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات معاونت اجتماعی و اطلاع رسانی قوه قضاییه.

ب. منابع انگلیسی

- Hamilton, C (2011). *Guidance for Legislative Reform on Juvenile Justice*. New York: Children's Legal Centre and United Nations Children's Fund (UNICEF).

- Kilkelly, U (2016). "Advancing the Rights of Young People in Juvenile Justice: The Impact of Juvenile Law Center". *Temple Law Review*, 88(4): 629-652.

- اسدی، لیلا (۱۳۸۸). «تأثیر حقوق بشر بر مقررات دادرسی ایران ناظر به کودکان معارض با قانون». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۴(۱۱): ۴۵-۶۹.

- السان، مصطفی (۱۳۸۷). «دادرسی منصفانه برای کودکان». دوفصلنامه حقوق بشر، ۳(۱): ۱۷۱-۱۸۸.

- برهانی، محسن و رادمند، محمدمبین (۱۳۹۶). «تقلیل گرای نسبت به مجازاتهای سالب حیات در حقوق کیفری ایران». فصلنامه راهبرد، ۲۶(۸۱): ۳۰۷-۳۲۶.

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰). *تحریر الاحکام*. قم: مطبعة الاعتماد.

- خالقی، علی (۱۳۹۴). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ ششم، تهران: انتشارات شهردانش.

- داشاب، مهریار (۱۳۸۵). «سیر تحول جنبش الغای مجازات اعدام در شورای اروپا». دو فصلنامه حقوق و سیاست، ۸(۱۸): ۸۹-۶۳.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳). «جایگاه کیفر مرگ در جهان». دو فصلنامه حقوق و سیاست، ۶(۱۱): ۱۱۱-۱۳۰.

- سوادکوی فر، سام و کاظمی، علی (۱۳۸۸). «مسئولیت کیفری تدریجی دختران». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۲(۴۵): ۲۲۵-۲۶۶.

- صلح چی، محمد علی (۱۳۸۹). «ارزیابی لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، بر اساس موازین بین‌المللی حقوق بشر». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۵(۱۷): ۸۷-۱۲۸.

- فضائی، مصطفی (۱۳۹۳). *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات شهردانش.

- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۹). «جایگزین‌های تعقیب عمومی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه». دو فصلنامه حقوق و سیاست، ۱۲(۲۹): ۳۲۷-۳۵۰.

- معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی (۱۳۹۰). چاپ نخست، تهران: انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

- Manco, E (2016). "Protecting the Child's Right to Participate in Criminal Justice Proceedings". *Amsterdam Law Forum*, 8(1): 48-77.
- Scott, E (2013). "Children are Different: Constitutional Values and Justice". *Ohio State Journal of Criminal Law*, 11(1): 71-105.

- Liefwaard, T & Van den Brink, Y (2016). "Juveniles' Right to Counsel During Police Interrogations: An Interdisciplinary Analysis of a Youth-Specific Approach, with a Particular Focus on the Netherlands". *Erasmus Law Review*, 7(4): 206 – 218.